

تماشاخانه

نگاهی به اجرای نمایش «پیکرزن همچون میدان نبرد در جنگ بوسنی»

سلول به سلول در بندیک زندان قصر



حمیدرضا صدر

● تاریخچه «تجاوزات جنسی» به جنگ‌ها و نبردهای عصر باستان برمی‌گردد که در «کتاب مقدس مسیحیان» هم به آنها اشاره شده. تاریخ یونانی‌ها و رومی‌ها لابلاب از تجاوز حین جنگ بوده و روایات چپاول و تجاوز سربازان مغول پس از پیروزی‌هایشان پرشمار هستند. حدود ۲۰۰ هزار زن گره‌ای و چینی طی جنگ دوم جهانی مجبور به تن‌فروشی برابر سربازان ژاپنی شدند و نمی‌توان تاریخ افغانستان را بدون دوره‌کردن تجاوزها برشمرد... «تجاوز جنسی» سرانجام پس از آنچه در سال ۱۹۹۲ در یوگسلاوی چندباره گذشت، از «غنیمت جنگی» بدل شد به «جنایت جنگی».

ماتئی ویسنی رومانیایی – فرانسوی نمایش «پکر زن همچون میدان نبرد در جنگ بوسنی» را در چنین بستری نوشته (و تاکنون پنج نمایش‌نامه او توسط تیتوش نظم‌جو به فارسی ترجمه شده‌اند). دو زن در یکی از مراکز پزشکی ناتو در مرز آلمان پس از جنگ بوسنی با هم روبه‌رو می‌شوند. دورا در دل جنگ‌های یوگسلاوی چندپاره‌شده مورد تجاوز گروهی قرار گرفته و باردار شده و کیت، روان‌شناس آمریکایی، را که به‌عنوان عضو یک گروه تخصصی پزشکی راهی این منطقه جنگ‌کرده شده در برابر خود می‌بیند. دورا که با سوسوطن به کیت می‌نگرد، می‌خواهد از شر جنین خلاص شود و کیت که میان مردگان پرسه زده نمی‌تواند از تنش‌های عصبی‌اش فرار کند، نمایش‌نامه آمیخته به مفاهیم تشبیهی پرشماری است. در نگاه اول با بیانیه‌ای علیه جنگ روبه‌رو هستیم و در کام بعد با نقد کشتار و تجاوز روبه‌رو می‌شویم؛ اینکه تجاوز به زنان در بالارک نوعی استراتژی نظامی/ ملی بوده که به ورطه سادسم غلتیده.

درعین حال دو زن با بازگشت به گذشته از طریق خواندن خاطرات کیت که آمیزه‌ای از رخداد‌های حقیقی و ذهنی هستند تدریجا به هم نزدیک می‌شوند و وقتی کیت خواستار نگاه‌داشتن بچه در شرف به‌دنیامدن می‌شود فاصله عمیق بین احساس گناه آمریکایی و تجربه بسیار تلخ اروپایی را دوره می‌کنیم و درعین‌حال کورسوی امیدی جلب نظر می‌کند. در حقیقت از دل یک رخداد هولناک تاریخ معاصر گام‌به‌گام «سلول‌به‌سلول» به دنیای خصوصی دو زن زخم‌خوردۀ پا می‌گذاریم و همین‌جا با نیش ویژه این اجرای «پکر زن همچون میدان نبرد در جنگ بوسنی» روبه‌رو می‌شویم.

نمایش‌نامه در انتاق یک بیمارستان جاری است ولی پاتنهٔ مریضی‌خی آن را از صحنه‌های دیرآشنای تئاتر دور کرده و همراه مریم شیرافکن در بند یک زندان قصر اجرا می‌کند. تماشاگران

کم‌شمار درون سلول‌ها قرار می‌گیرند و از پشت میله‌ها، برخورد‌ها و روایات دو شخصیت در راهروی زندان را دنبال می‌کنند؛ جایی که از گوشه آن فضای محصور و مصروع، روایات تکان‌دهنده دو زن را پی می‌گیریم و نمی‌توانیم گوش و چشممان را – که معمولا بر روایات خوفناک و آزاردهنده می‌بندیم – ببندیم. اجرای اثر از یک سو به‌شدت وهم‌آلود است و از سوی دیگر مختصات جهان واقعی را هم ترسیم می‌کند. تغییر صحنه‌ها با تغییر سلول تماشاگران انجام می‌پذیرد و سرانجام تماشاگران و دو شخصیت در یک سلول قرار می‌گیرند- بی‌فاصله‌گذاری- تا نزدیک‌شود با زن مترادف شود با لزوم همدلی و یکپارچگی در قبال فجایع انسانی. وقتی دورای شکنجه‌دیده از در پشتی آخرین سلول سرانجام راهی به فضای بیرون می‌یابد و نفس عمیقی می‌کشد، ما هم مثل او نفس عمیقی می‌کشیم تا زیرکی مریضی‌چی از به‌کارگیری عناصر زن فعال/ زندان عیان شود و تجربه تماشای «پیکرزن همچون میدان نبرد در جنگ بوسنی» ماندگارتر.

گفت‌وگوی محمد حقیقت با مدیر جدید جشنواره سه قاره

سینمای آسیا همواره بارور است



اختتامیه اولین جشنواره سه قاره، با حضور بیضایی و حقیقت

سی‌وهفتمین دور جشنواره سه قاره، سه‌شنبه شب ۲۴ نوامبر، افتتاح شده که به این مناسبت با مدیر جدید آن، ژروم بارم، گفت‌وگویی از طریق اسکایپ انجام دادیم. سینمای ایران از همان اولین دور این جشنواره، در نوامبر ۱۹۷۹ با «کلاغ»، اثر بهرام بیضایی در بخش مسابقه حضور داشت که با بهرام بیضایی برای معرفی فیلم به آنجا سفر کردیم. وی جایزه ویژه داوران را هم به دست آورد. این جشنواره توسط برادران ژالادو پایه‌گذاری شد و آنها ۳۰ سال در مدیریت آن بودند و از سال ۱۹۹۰ بارها با آنها نیز برای شرکت در جشنواره فجر به ایران سفر کردیم. بنا بر آگاهی من، اولین جایزه بین‌المللی سینمای ایران بعد از انقلاب در این جشنواره به سینمای ایران داده شد که چند ماه بعد از پیروزی انقلاب حاصل شد! از آن پس هرساله سینمای ایران یکی از پایه‌های اصلی جشنواره بود و جایزه‌های فراوان به دست آورد که حداقل چهار بار جایزه بزرگ فستیوال راریسود دو بار امیرنسادری – و دو بار ابوالفضل جلیلی جایزه پالن طلایی سه قاره را به دست آوردند. امسال جشنواره با فیلمی از قزاقستان افتتاح می‌شود و ۱۰ فیلم از کشورهای سه قاره برای بخش مسابقه انتخاب شده‌اند که از ایران «مادر بهشت»، اثر سینا عطائیان‌دنا، پذیرفته شده که محصول مشترک ایران و آلمان است. این فیلم قبلا در مسابقه لوکارنو نیز حضور داشت. جدا از این، در بخش «پروژه جنوب» که برای یافتن تهیه‌کننده برای پروژه‌های انتخابی حمایت می‌شود، طرح یک خانم ایرانی به نام صدف فروغی پذیرفته شده که از طرف علی مصفا پیشنهاد شده است. در این قسمت شش طرح از کشورهای آفریقای جنوبی، شیلی، کاستاریکا، کرجستان، ایران، و هند از بین پیشنهادها انتخاب شده‌اند که در جلساتی که در شهر نانت در طول جشنواره برگزار خواهند شد، نویسنده‌های این طرح‌ها جلساتی با تهیه‌کنندگان خواهند داشت تا بتوانند بخشی از سرمایه لازم را برای فیلم‌هایشان بیابند. جشنواره جدا از مسابقه، ۱۰ فیلم نیز در بخش سانس‌های ویژه انتخاب کرده و در ضمن از «ایم کم تک» فیلم‌ساز کرای، مروری بر آثار مهم ترتیب داده است و همچنین از «کومار شاهانی»، کارگردان هندی، تعدادی فیلم در بخش‌های جداگانه به نمایش در می‌آورد. گفت‌وگوی کوتاه با مدیر جشنواره را در ادامه می‌خوانید:

حق با توست. ما فیلم‌های زیادی دیدیم؛ حدود ۸۰۰ فیلم. چند فیلم از قاره آفریقا که متأسفانه بسیار ضعیف بودند. از آمریکای لاتین، چند فیلم خوب وجود داشت، اما پخش‌کنندگان آن را فوری خریده بودند و به نمایش در آوردند. یکی، دوتایی هم که ما انتخاب کرده بودیم، جشنواره‌ای در فرانسه قبل از ما آنها را نشان دادند و چون قانون جشنواره ما این است که فیلم مسابقه نباید قبلا در فرانسه به نمایش در آمده باشد، بنابراین آنها را کنار گذاشتیم. این واقعیت هم وجود دارد که از آسیا زیاد فیلم دیدیم و این قاره همواره بارور است.

❧ **از ایران چقدر فیلم دیدید؟**
حدوداً ۲۰ فیلم دیدیم، در سه‌ا آوریل بود که فیلم «مادر بهشت» را دیدم و از آن خوشم آمد و با دیدن بقیه فیلم‌های ایرانی، این فیلم همچنان در صدر باقی ماند.

❧ **ما دانم که بودجه مراکز فرهنگی و جشنواره‌ها در فرانسه رو به تقلیل است. آیا شما با مشکل روبه‌رو نیستید، بودجه فعلی شما چقدر است؟**
فعلا ۷۰۰ هزار یورو بودجه داریم که توسط شهرداری و مرکز ملی سینما و کمی هم توسط اسانسرها یا خصوصی و بالاخره خیلی جزئی هم از طریق فروش بلیت به تماشاگران تامین می‌شود. ❧ **با آرزوی موفقیت برای سی‌وهفتمین دور جشنواره...**
جشنواره... ممنون از تو.

سحر آزاد: چند نفر با نقاب در حال گرفتن عکس سلفی هستند یا گاوی در میانه نمایشگاه روبه‌روی قابی قرار گرفته که شاخ‌هایش در پشت سر او روی زمین قرار گرفته‌اند. عارف رودباری هر چند به نام هنرمند خودآموخته معرفی شده است، اما ورود به اولین نمایشگاه مجسمه‌های او، تصور خودآموخته را در باور آنها که تا پیش از این به چنین نمایشگاه‌هایی رفته‌اند، تغییر می‌دهد. نانیو بودن در این آثار، رنگی ندارد. برخلاف آن، همه‌چیز شکلی حرفه‌ای با ایده‌هایی از مضامین روز و اجتماع دارد. این نمایشگاه که «شاخ‌های» نام دارد تا ۲۷ آبان در گالری سیحون ۲ برپا بود. رودباری متولد ۱۳۶۷ است و کارشناسی گرافیک دارد. او در ساری زندگی می‌کند. خودش می‌گوید به او گفته شده بود اگر نقاشی دوست داری، در رشته گرافیک تحصیل کن تا بتوانی نقاشی کنی. او از اینکه در محل سکونتش از هنر حمایت نمی‌شود گله دارد و دوست دارد از این پس هنر جوی خودآموخته‌قبل نباشد.

❧ **پیش از این، از وضعیت مجسمه‌سازی در شهرنات گله کرده بودید. الان وضعیت بهتر شده است؟**

بزرگ‌ترین اتفاق در منطقه ما، جشنواره مجسمه‌های شنی در بایلسر بود، اما در سال ۱۳۹۰ مجسمه‌های شنی را به بت‌پرستی تشبیه کردند و به کلی این رویداد منحل شد. کار من از همان مجسمه‌های شنی بایلسر شروع شد. البته قبل از آن یکسری کار می‌کردم، اما وقتی در این جشنواره مقام آوردم، تشویق شدم که این راه را ادامه دهم. شاید اگر این جشنواره برگزار نمی‌شد، من هم الان در تهران چنین نمایشگاهی برگزار نمی‌کردم. آن اتفاق می‌توانست جرقه‌هایی در جوان‌های دیگر ایجاد کند، اما متأسفانه ادامه پیدا نکرد.

❧ **چطور شد در این جشنواره شرکت کردید؟**

به صورت خیلی اتفاقی مجسمه ساختم. خانه من نزدیک ساحل است، هرازگاهی برای تفریح به ساحل می‌روم. البته از قبل نقاشی هم می‌کردم. یک روز که کنار ساحل رفته بودم، شروع به بازی با شن‌ها کردم و یک سر انسان با نیم‌تنه ساختم، اما آن‌قدر کار اولم با مردم ارتباط برقرار کرد و تحسین شد که با خودم تصمیم گرفتم، باز هم این کار را تکرار کنم. بعد از آن پنجشنبه و جمعه‌ها مجسمه می‌ساختم و به‌مرور متوجه شدم بعضی‌ها بعضی‌ها مسیری را طی می‌کنند تا مجسمه‌های شنی من را ببینند و همین موضوع من را مجبور کرد کار بهتری انجام دهم، منتها یک سال قبل یکی از مخاطبانم که در زمینه نقد هم فعالیت می‌کرد، به من گفت که تا چه زمانی می‌خواهی مجسمه‌های شنی بسازی؟

❧ **محل درآمد دیگری نیز داشتید یا از این راه درآمدی کسب می‌کردید؟**

خیر. کم‌کم به من گفتند چون ارتفاع کارهایت

هنر

فصل جوایز هنری داغ می‌شود

فرانسه؛ برنده بزرگ جوایز «امی»



پیام پوسنار (راست) و بروس پینز

شرق: فصل جوایز در رشته‌های مختلف هنری آغاز شده و بسیاری منتظر اعلام نتایج مراسم‌ها هستند. «جایزه موسیقی آمریکا» از جمله مراسم‌هایی بود که برندگانش را معرفی کرد. این مراسم که به‌صورت سالانه در آمریکا برگزار می‌شود از اهمیت زیادی از جانب هنرمندان موسیقی کشور برخوردار است. تیلور سوئیفت با نامزدی در شش رشته و سه جایزه بهترین آهنگ سال، بهترین آلبوم پاپ/راک و بهترین هنرمند بزرگ‌سالان معاصر را دریافت کرد و گروه «وان دایرکشن» با دریافت مهم‌ترین جایزه این مراسم یعنی هنرمند سال، بیش از پیش در فضای موسیقی جهان مطرح شد.

جوایز امی که به فیلم‌ها ساخته‌شده در خارج از

تولیزون آمریکا تعلق می‌گیرد نیز از دیگر مراسم‌هایی بود که در نیویورک برگزار شد و برندگانش را شناخت.

تریلر جنایی «چرخ‌دنده‌ها» به‌عنوان برنده سریال درام انتخاب شد. تهیه‌کننده این سریال، چنددقیقه‌ای را درباره حملات تروریستی اخیر فرانسه صحبت کرد و از پلیس برای همکاری در حفظ ارزش‌های فرانسه تشکر کرد. کارولین پروست، از بازیگران این مجموعه، نیز جایزه فیلم را به قربانیان این حوادث تقدیم کرد. فیلم «مردی که لوور را نجات داد» نیز در بخش برنامه‌های هنری موفق به کسب جایزه شد. این فیلم درباره مدیر موزه ملی فرانسه است که در جنگ دوم با تشکیل گروه مقاومت توانست هزاران اثر هنری را از دست نازی‌ها دور کند.

«سریاز سفید» دیگر برنده فرانسوی بود که درباره دو سرباز جوان در سایگون است که دوستی‌شان آنها را در اولین روزهای ویت مینه در برابر حاکم فرانسوی حفظ می‌کند. این فیلم در بخش مینی‌سریال جایزه امی بین‌المللی را برای فرانسه به ارمان آورد. جولیان فیلوس، خالق و نویسنده «دانتون ابی»، جایزه‌امی بین‌المللی اختفاری را در این مراسم به تهیه‌کننده این سریال، گرت نیام و الیزابت مک‌کارون بازیکر، که در نقش کورا کروالی در این فیلم بازی کرد، اهدا کرد این سریال به‌زودی فصل ششم و آخر خود را روی آنتن می‌برد. جایزه بهترین بازیگر مرد به مارتن هیچمنز برای فیلم هندی «رامسس» رسید که در نقش خواننده و بازیگر هلندی، رامسس شافی، بازی

چطور شد سعی نکردید آموزش این رشته را یاد بگیرید؟

ما در شهرمان سه نفر هستیم که به صورت خودآموخته مجسمه‌سازی را شروع کرده‌ایم، اما آن‌قدر سطح توجه به هنر در شهر ما پایین است که حتی نتوانسته‌ایم یک مجسمه با هزینه خودمان در شهرمان بسازیم.

❧ **خیلی از کارهای شما برگرفته از مضامین اجتماعی، مانند سلفی گرفتن هستند و گاه هم حضور پررنگی در تعداد دیگری از کارهایتان دارد...**

بله. گاه روی من تأثیر زیادی می‌گذارد و در مسیر کارگاهم معمولا با چند گاو و خرد می‌کنم. البته روی موضوع‌های دیگری هم کار کرده‌ام، اما در نهایت به گاو رسیدیم. انگار دنبال چیزی بودم که با آن، نمادها را معرفی کنم. ضمن اینکه دوست داشتم سلفی‌گرفتن یا انتظار را به چالش بکشم و از گاو استفاده کردم؛ مثلا دوربین را روی دم گاو گذاشتم انگار می‌خواهد سلفی بگیرد. این قضیه ادامه‌دار است و گاو تمام نشده، بلکه همیشه هست، منتها عنصری است که از طریق آن بتوانم آنچه را می‌خواهم در قالب گاو نشان دهم. چالش با سلفی از اینجا شروع شد که وقتی گوشی‌ام را می‌دیدم همه‌چیز سلفی بود، در صفحات اجتماعی همه در حال سلفی‌گرفتن بودند و این مسئله برایم دغدغه شد. بیشتر آدم‌ها وقتی در مقابل کادر موبایل قرار می‌گیرند، دوست دارند در بهترین شکل خود باشند و این موضوع برای من خیلی بی‌اهمیت و بی‌هویت بود. به همین دلیل مجسمه‌های من در حال سلفی‌گرفتن، نقاب دارند و من هیچ‌وقت هویت خودم را پشت این کادر نشان نمی‌دهم. برای من تأثیرگذاری از همه‌چیز مهم‌تر است.

❧ **فکر می‌کنید در این نمایشگاه تأثیرگذار بودید؟**

بله. خیلی از بازدیدکنندگان نمایشگاه می‌گفتند آثارم متفاوت است و جالب اینجا بود که کارهایم، مخاطبان را وادار به پرسش می‌کرد و دوست داشتند بدانند قرار است چه اتفاقی بیفتد. من هم دنبال همین چراها هستم، مثل اینکه چرا اسب‌ها یا گاوها ی من پا ندارند. حتی برایم اهمیت ندارد کارهایم فروش نرود.

❧ **به این ترتیب چطور به فکر برپایی نمایشگاه افتادید؟**

آقای سیحون از طریق اینستاکرام آثارم را دیده بود. قبیل از آن با هیچ گالری‌داری صحبت نکرده بودم. من خانواده سیحون را می‌شناختم و بعد از ملاقات با آقای سیحون تصمیم به برگزاری نمایشگاه گرفتم.

❧ **هنرمندان خودآموخته در فضای شخصی خودشان کار می‌کنند، اما با برپایی این نمایشگاه فکر می‌کنید روند آثارتان تغییر کند و از بازخوردهایی که داشتید استفاده خواهید کرد؟**

دوست دارم در یک‌سری از مسائل خودم باشم و در شهر خودم با پتانسیل بالا کار کنم بااین‌حال رابطه‌هایی ایجاد شده است. باید خودم را بالا بکشم و هنر جوی خودآموخته قبلی نباشم. می‌خواهم درباره مجسمه‌سازی اطلاعات بیشتری به‌دست بیاوردم. چند دانشگاه در ساری درخواست کرده‌اند که مجسمه‌سازی را تدریس کنم، اما ترجیح می‌دهم اول این رشته را یاد بگیریم.

چهره روز

حمایت مستندسازان از «آفریده»



● شرق: چندی قبل حضور محمد آفریده به‌عنوان دبیر جشنواره فیلم «روح‌الله» سروصدای زیادی به راه انداخت. دراین‌میان انتقاد جمعی از خانواده‌های شهدا به این انتخاب برجسته‌تر بود. آنها در نامه اعتراضی خود عنوان کردند: «چگونه است فردی که در کارنامه هنری‌اش فیلم‌هایی ضدشهدا و خانواده ایشان است، کسی که مشاور رسانه‌ای اصحاب فتنه بوده است، کسی که دنیای غرب از او دفاع می‌کند و بودجه‌هایشان را به دست او می‌سپارند تا دستان شیطان‌ی آن در مملکت ما نفوذ کنند، مسئولیتی فرهنگی- هنری آن هم مزین به نام معمار انقلاب اسلامی – امام‌خمنی(ره)– را می‌گیرد؟». از سوی دیگر برخی از مستندسازان ایرانی با انتشار نامه‌ای از محمد آفریده حمایت کردند. در این نامه آمده است: «از کسی حرف می‌زنیم که حضور

و یونایی طیف گسترده‌ای از نسل جوان و متعهد سینمای امروز ایران مدیون اعتماد اوست، از کسی حرف می‌زنیم که شمار تولیدات یگانه و درخشان‌ش گنجینه ارزشمندی است که راهنمای فرزندانمان در سال‌های آتی است، از کسی حرف می‌زنیم که رهش‌اش در انقلاب ۵۷ آفریده شد، قماشتش در دفاع مقدس توموند و اعتقاد و اندیشه‌اش در سال‌های پس از آن در فرهنگ این موم گسترش یافت. اما چه سود؛ جایی که جهل نایزدانش یادگاران امام را احل را نیز در امان نگذاشته و ارزش‌ها و دستاوردهای آن بزرگمدر را به‌نفع خود مصادره کرده و مفاهیم اصیل آن را در ذهن کج‌اندیش خویش تفسیر می‌کنند، تنها می‌توان سستان هنرمندی چون محمد آفریده را به گرحی فشرده و به‌استادگی و

مردانگی‌اش در این مسیر ناهموار غبطه خورد». محسن رمضانزاده، پژمان مظاهری‌پور، بابک بهداد، داریوش یاری، محسن استنادعلی، نسرتین عبیدی، مرجان ریاحی، مرضیه ریاحی، جواد توانا، امیر تودهروستا، مصطفی شیری، محمود رحمانی، حسن نقاشی، مهدی اسدی، حمید نجفی‌راد، مهدی قربانیپور، مینا مشهدی، محمدصادق جعفری، فرید دغاغله، محمدرضا قرطوسی، محمد جعفری، آذر محرابی-مهرداد زاهدی، امیرعلی اعلائی، رویا مجدنی، پناه‌برخدا رضایی، هادی آفریده، حمید اکبری، یاسر خیر، محسن سخا، محمد کارت، مهدی باقری، بهروز ملبوس‌اف، سیدمرتضی جذاب، امین پوربرقی، بهاره لاهی، حسن رشیدقامت، ابوالفضل کریمی‌اصل، فرود عوض‌پور، سیدجواد میرهاشمی، بهمن دادفر، گاهه سجادی‌حسینی، مرجان اشرفی‌زاده، مهدی نادری، فرهنگ آدمیت، علی شاهیده، ایرج سالاروند، علی رضوانی، عارف نامور، علی نجفی، سیدغلامرضا نعمت‌پور، محمدرضا جهان‌پناه و... از جمله امضاکنندگان این نامه هستند.

زیر آسمان فیر وزهای

برگزاری بزرگداشت علی‌اکبر صادقی

● شرق: مراسم نکوداشت علی‌اکبر صادقی، تصویرگر و انیماتور پیش‌کسوت، در سالروز تولدش با نمایش آثار متحرک او دوشنبه دوم آذر در سینماک خانه هنرمندان ایران برگزار شد.در این برنامه که با حضور محمد سریر، هارون یتیمایی، ابراهیم فروزش، امیر اثباتی، بهرام عظیمی، روانبخش صادقی، پدram اکبری، ابوالفضل رازانی و جمعی از منتقدان و هنرمندان برگزار شد، از فعالیت هنری علی‌اکبر صادقی تجلیل به عمل آمد.

هنر مفهومی در مؤسسه ایده

● شرق:کارگاه‌های هنر مفهومی از سوی اشا صدر اشکوری و رامین اعتمادی بزرگ از روز جمعه، شش آذر در مؤسسه ایده آغاز می‌شوند. کارگاه «هنر مفهومی خود، ویدئوآرت و فستیوال» که از سوی اشا صدر اشکوری شامل بخش تئوری و گفت‌مان در شش جلسه و کارگاه «هنر مفهومی ایده و سیستم‌های فرایند» در شش جلسه دوساعته در نظر گرفته شده است، از روز جمعه، شش آذر در مدرسه هنرهای تجسمی ایده به نشانی خیابان خردمند، خیابان هجدهم، شماره ۲۶ آغاز می‌شوند.

مرور سینمای «کیمیایی» در سینماک

● شرق: آثار مسعود کیمیایی در سینماک خانه هنرمندان ایران به نمایش درمی‌آید. مروری بر سینمای مسعود کیمیایی همراه با نمایش برخی از فیلم‌های او از سه‌شنبه سوم آذر در سینماک خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. فیلم‌هایی همچون «خط قرمز»، «سرب»، «اعتراض» و برخی دیگر از آثار این کارگردان پیش‌کسوت در خانه هنرمندان ایران به نمایش درمی‌آیند. جواد طوسی، امید روحانی، سعید راد، پرویز نوری، فریماه فرجامی و کیوان کثیریان به نقد و بررسی آثار مسعود کیمیایی پرداختند. نخستین نشست این برنامه سینماک خانه هنرمندان ایران سه‌شنبه سوم آذر با حضور مسعود کیمیایی برگزار می‌شود.علاقه‌مندان برای حضور در این برنامه می‌توانند سه‌شنبه سوم آذر از ساعت ۱۷ به تالار استاد شهنار خانه هنرمندان ایران مراجعه کنند.